

راهنمایی برای موسیقی کلاسیک

موسیقی کلاسیک	
جان باروز	
ترجمه: رضا رضایی	
چاپ اول: ۱۳۸۸	
انتشارات: فرهنگ معاصر	
	

کتاب نیز در این کار همراه او بوده‌اند. خواننده در این کتاب با مقدمات موسیقی، اجزا و عناصر موسیقی کلاسیک، سازها، نوازندگی و اجرا، و نیز تاریخ موسیقی و اپرا و دوره‌های مختلف آن و سرانجام مباحثی پیرامون موسیقی مدرن روبه‌رو می‌شود و در ادامه مطالبی نیز در مورد زندگی و آثار بزرگ‌ترین موسیقیدانان تاریخ و همچنین ضبط اصلی نام‌ها (اعم از اشخاص، مکان‌ها و آثار) خواهد یافت. مولف کتاب در مقدمه این اثر آورده است: دو سال تلاش ناموفّقت را با ۱۰ تن از همکارانش صرف کرده است تا بتواند کتابی سoudمند، با تصاویری جذاب و برانگیزنده و شوق آور، سرشار از آگاهی‌ها و اطلاعات کاربردی و خوانندگی انتشار دهد که دوستداران موسیقی کلاسیک در هر سنن و سال و با هر درجه‌ای از معلومات را به کار آید. فرم گرافیکی به کار رفته برای مطالب کتاب از نوع اینفوگرافیک است که در کمترین فضا بیشترین اطلاعات را به صورت بسته‌بندی در اختیار خواننده قرار می‌دهد. چنین مجموعه تصاویر و قرار دادن اطلاعات فراوان درباره هر موضوع در کنار این عکس‌ها و طرح‌های گرافیکی، فضایی جذاب را برای خواننده فراهم کرده است. مترجم هم همانند مولف برای این کتاب وقت و انرژی فراوانی صرف کرده است، چنان که خود در مقدمه کتاب به صرف زمان یک‌ساله برای برگردان فارسی و سپس بررسی فنی برخی موارد با همکاری فرزندان که تحصیلات تکمیلی در زمینه موسیقی کلاسیک و پیانو را در اروپا می‌گذراند از جمله آنهاست. کتاب حاوی نمایه‌ای کامل و دقیق از نام‌های لاتین و فارسی است و استفاده از این کتاب را برای مخاطبان راحت‌تر کرده است.

شرح حال سنتور

سنتور	
گردآورنده: شهاب منا	
چاپ اول: ۱۳۸۹	
انتشارات: سوره مهر	
قیمت: ۹۴۰۰ تومان	

سنتور

نوازندگی سنتور، با تفکیک و طبقه‌بندی موضوعی گرد آمده و مورد بحث قرار گرفته است. جلد اول این مجموعه بر اساس جنبه‌های مرتبط با سنتور، به‌طور موضوعی، تنظیم و طبقه‌بندی شده‌اند. کلیات، تاریخچه و معرفی تفصیلی گونه‌های سنتور در ایران و جهان، کوک‌های کلاسیک و ابداعی برای سنتور، تکنیک‌های نوازندگی و طرز نواختن سنتور، آموزش سنتور، نئ‌نویسی در آثار سنتور و روش ساخت این ساز سرفصل‌های جلد اول را دربرمی‌گیرد. مقالات این کتاب به دو دسته تقسیم می‌شود؛ مقالاتی که پیش از انتشار این کتاب، طی ۶۳ سال اخیر نوشته شده بوده‌اند و در این کتاب با ویرایش فنی، ادبی و افزودن تعلیقات و توضیحات تکمیلی درباره هر یک توسط بنده درج شده‌اند. در این دسته مقالات استادان نوازنده یا سازنده پیشکسوت سنتور، مانند ابوالحسن صبا، حسین صبا، داریوش صفوت، فرامرز پایور، سیروس صفاری و میلاد کبابی درج شده و همچنین مقالات نویسندگان یا آهنگسازان معاصر مانند دکتر مهدی فروغ، امین شه‌میری و کامبیز روشن‌روان و رضا مهدوی. همچنین است مقالات مندرج در فرهنگ معتبر سارهای گروو درباره انواع گونه‌های سنتور در جهان که برای اولین‌بار به فارسی ترجمه شده‌اند مقالات دیگری از کیوان فرزین، پویا سرائی و سورنا صفاتی را می‌توان در این کتاب جست.
است جلد دوم این کتاب به بررسی ساختاری (آکوستیک-موسیقایی) سنتور اختصاص یابد و ساختار سنتور و تاثیر اجزای آن در صداهای سنتور مورد بررسی قرار گیرد. همچنین طرح‌های انجام‌شده برای بهبود سیستم نگه‌دارنده کوک و نیز اقسام طرح‌های انجام‌شده برای رفع محدودیت‌های صوتی سنتور در مرکب‌نوازی و مصاحبه با سنتورسازان برجسته درج تجربیات ارزنده آنها در بهبود صدادهی و ساخت سنتور از دیگر بخش‌های جلد دوم این کتاب به‌شمار می‌رود.

نگاه

معرفی کتاب «مار گریتا دلچه و دنا»

زیستن در میان خواب‌ها

مار گریتا دلچه‌وینا	
استفانو بنی	
ترجمه: حاجه انبالو	
چاپ اول: ۱۳۸۸	
قیمت: ۵۴۰۰	

کتاب‌هایش می‌توانند به تجربه‌ای متفاوت در زندگی‌مان تبدیل شود. او که در سال۱۹۴۷ در بولونیا متولد شده است، کارش را با روزنامه‌نگاری آغاز می‌کند و نخستین کتابش به نام «کافه ورزش» را به چاپ می‌رساند و بعد از آن رمان، مجموعه داستان، نمایشنامه و فیلم‌نامه‌های مختلفی می‌نویسد. نخستین کتابی که از او در ایران منتشر شده «کافه زیر دریا» است که شاید آن را خوانده و بیش از هر چیزی از دنیای فانتزی که ساخته حیرت کرده باشید. هرچند خیلی‌ها معتقدند «کافه زیر دریا» و«کافه ورزش» از بهترین آثار بنی هستند اما کتاب «مارگریتا دلچه وینا» که به تازگی توسط حایه انبالو ترجمه و انتشارات کتاب خورشید چاپ شده، می‌تواند شناخت ما را از جهان ذهنی بنی کامل‌تر کند و لذت خلسه‌آوری را به ما ببخشد. کتاب از زبان دخترچهارده‌، ۱۴ساله و خیالپرداز با موهای فرفری و کمی اضافه‌وزن روایت می‌شود که مهم‌ترین تخصص خود را گفتن شعرهای افشاح می‌داند و آنچه می‌خوانید داستان زندگی اوست که برای دخترش مارگه قورباغه که یک دوست‌زست است تعریف می‌کند. شاید زندگی مارگریتا به نظرات عجیب و غریب برسد و بعد از خواندن آن دچار نوعی احساس منگی و گیجی بعد از بیدار شدن از یک خواب عجیب شوید. شاید فکر کنید همه آنچه مارگریتا تعریف می‌کند، خوابی است که دیده یا دیده‌اند است که از خودش درآورده ولی به‌هر حال نمی‌توانید تاثیری را که رویتان گذاشته، انکار کنید. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بنی این است که تخیل فانتزی‌وارش را در زندگی مدرن انسان‌های معاصر جامعه‌اش می‌آمیزد و چیزهایی را که اصلا واقعیت ندارد و غیرممکن است برایتان قابل قبول و باورکردنی نشان می‌دهد. اساساً او دوست دارد همه چیز را دست بیندازد و در کتاب‌هایش موقعیت‌های مسخک و هجوآمیز زیادی درج کند. مارگریتا دلچه وینا» پر از کلمات درآوردنی است و نقد قرار می‌دهد، البته طنز بنی با آن چیزی که مثلاً در آثار موراوای می‌بینید فرق می‌کند؛ در داستان‌های سوررئالیستی موراوای طنز در لایه‌های زیرین داستان پنهان است ولی بنی با وارونه کردن ماجراها و به‌سخره گرفتن کلیشه‌ها به یک طنز ناب می‌رسد که فقط مخصوص خودش است. طنز او برگرفته از تنهایی عمیق انسان‌ها در دنیایی مظاهر و دروغین است که نمی‌توانند زندگی دلخواه خود را داشته باشند. کتاب «مارگریتا دلچه وینا» پر از کلمات درآوردنی است و تا دل‌تان بخواهد اسامی و اصطلاحاتی را در داستانش می‌آورد که ساخته ذهن خودش است و یک جور بازی زبانی راه می‌اندازد که می‌توانیم شبیه آن را در «ولیس» جیمز جویس ببینیم، بنابراین اگر از معنی بعضی از کلمات سر درنیاروید و اسم مکان‌ها، کتاب‌ها، ستاره‌ها و غذاها برایتان آشنا نبود، زیاد برای پیدا کردن آن در فرهنگ لغت به خودتان زحمت ندهید، بلکه هر معنی که دوست داشتید در خیال‌تان برای آن در نظر بگیرید. مهم‌ترین لذتی که خواندن کتاب‌های استفانو بنی نصیب آدم می‌کند این است که این نوعی کافه دلیلی برای خجالت کشیدن از خیالات و بازیگوشی‌های ذهنی‌مان وجود ندارد و کسی نباید جلوی افکار عجیب و غریبش را بگیرد و تازه در چنین موقعی است که زندگی کردن به آدم می‌چسبد. به نظر بنی فقط تخیل است که می‌تواند جهان را درست کند و زندگی رو به زوال انسان معاصر را نجات دهد. اگر بتوانید برای چند ساعتی از دنیای واقعی روزمره‌تان که به آن عادت کردید بیرون بیاید و خودتان را در یک جهان خیالی غرق کنید، چیزهای تازه‌ای در آن می‌یابید.

۲۲ کتاب

درباره رمان «استالین خوب» نوشته ویکتور ارافیف

ناگهان فرو می‌ریزی

محمدفریدزین‌بیا

«با گردش در ظاهر متن، تصویری می‌کنش، مثل نقاشی بر تخته و ناگهان فرو می‌ریزی در حالی که در اعماق آن چشمان خودت را می‌بینی.» رمان با جمله‌ای کوبنده آغاز می‌شود: «سرانجام پدرم را کشتیم.» پدر کشی به عنوان یکی از کهن‌الگوهای مغرب‌زمین که گستره‌ای پر دامنه از سنت درام‌نویسی تا روانشناسی معاصر را دربرمی‌گیرد، در چندین سطح تجلی می‌یابد. با اینکه این کشتن یک ما به ازای عین به عین در دنیای واقعی ندارد اما در مفهوم سیاسی خود به وقوع می‌پیوندد. راوی/ نویسنده که پسر یکی از دیپلمات‌های سرشناس حکومت کمونیستی استالین است و در این رمان اتوبیوگرافیکال به شرح خاطرات خود از کودکی تا زمان معاصر می‌پردازد، در دوران جوانی با چاپ نشریه‌ای ادبی به نام متروپل که رویکردی ضدکمونیستی دارد باعث مرگ سیاسی پدر و اخراج او از سمت دولتی‌اش می‌شود. ارافیف با روایت زندگی شخصی و روابط خانوادگی خود، جا به جا به اوضاع کشورش در زمان اختناق حاصل از سلطه استالین اشاره می‌کند و سعی دارد با نگاهی جزئی‌نگر به این شرایط بپردازد. پدر که همیشه به آرمان‌های سیاسی کشورش وفادار بوده و غرب را به دیده تشکیک و در شمایل یک دشمن می‌نگرد در انتها که کوچک‌ترین لغزش از جانب پسرش توسط خود دستگاه دولتی و ایدئولوژی آرمانی مقبولش به محاق می‌رود.

نویسنده به جای اینکه با قضاوت ارزش‌گذارانه به توصیف کلی عقاید خود و شرایط زمانه‌اش بپردازد، سعی دارد آنچه که رخ داده در مقابل خواننده خود بگذرد تا منظری متکثرتر را برای کنش یا اثر فراهم آورد. در این رمان استالین خوب است، دیکتاتور است، قهرمان است، خونخوار است، با پدر راوی با لذت به تماشای فیلم زبایی «زیر بام‌های پاریس» رنه کلر می‌نشیند و در موقع لزوم دستور قتل نزدیک‌ترین یارانش را صادر می‌کند. به بیان راوی او پدر ملت و تجلی روح روسی است. پس هر اقدامی علیه تمامیت این شمایل، عمیقاً یک پدر کشی است.

در سطح دیگر که نیاز به خوانشی نمادین دارد، پسر با روی آوردن به ادبیات و فراوری از مرزهای منحل تعیین شده‌اش که در زمان از طریق مادر به پسر منتقل می‌شود با اقتدار تملک پدر و مقام سیاسی‌اش پایان می‌دهد، یعنی از طریق یک توالی معکوس ادیبی. ارافیف به این تقدیرگرایی چندین بار اشاره می‌کند: «پدرم عتیق به ادبیات را به من پیوند زد؛ همان کسی که بی‌محلی کوک‌ناهم

نقاشی‌های بابک روشنی‌نژاد

یادداشتی بر «از ناهنگامی فرهنگ» نوشته بابک روشنی‌نژاد ناتمامی و فرهنگ

هنری دارند. در واقع به تعبیر بالا از جنس مقاله‌های عمومی‌اند. دکتر موحد مقاله‌های عمومی (informal essays) را این‌گونه معرفی می‌کند: «نوشت‌های کوتاه، به نثر، نشان‌دهنده نظر نویسنده در موضوعی خاص و محدود با سبکی بارز، لحنی مناسب، صورت‌هایی با این سطح و وسعت و قوت کوبنده نقاشی کند.» نگاهی که این نام در مقام نویسنده یک کتاب عنوان می‌شود، کنجکاو مخاطبان را برای مطالعه در پی دارد. روشنی‌نژاد وقت را به اولویت کار نقاشی می‌دهد و در فاصله دست‌کشیدن از رنگ و قلم‌مو و بوم به کاغذ و قلم ره می‌جوید تا ایده‌هایش را به بیانی دیگر بنویسد. برپایه نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی داخلی و خارجی مجال حضور نگاه روشنی‌نژاد را بیش از پیش کرد. حضور در حراجی‌ها در قدم بعدی، مخاطبان خارج از فضای بومی را برای او به دست داشته و دارد. تا جایی که سال گذشته نمایشگاه انفرادی او در لندن یکی از پربیننده‌ترین‌ها بود.
علی‌صدر قهرباغی در بیان نقش نقاشی روشنی‌نژاد نیز می‌نویسد: «بابک روشنی‌نژاد از معدود نقاشان دایره فرهنگی و هنری ماست که با تامل در میراث گذشته و گذشتگان و آشنایی با سنت نقاشی، تجربه‌های ارزنده‌ای به‌هم آورده و با آگاهی از نظریه‌های روزآمد و راه و روند نقاشی امروز جهان کار می‌کند.»

کتاب «از ناهنگامی فرهنگ» پس از «هنر و مکانیسم پنهان» و «هنر و گفتمان اقلیت» سومین کتاب بابک روشنی‌نژاد است که توسط نشر ثالث در بهار۱۳۸۹ منتشر شده است. کتاب «خوابیدن در خیابان» که مجموعه‌ای از قطعه‌هاست نیز به زودی توسط نشر نظر به بازار کتاب می‌آید.
از ناهنگامی فرهنگ
این کتاب هم برگزیده‌ای از مقاله‌ها و گزین‌گویی‌های (Aphorism) اوست. شکلی از مقاله‌نویسی وجود دارد که به تعبیر دکتر ضیاء موحد «پهلو به اثر هنری می‌زند». ایشان در تقسیم‌بندی نخستین، مقاله‌ها را در دو گروه مقاله‌های علمی – تحقیقی (formal essays) و مقاله‌های عمومی (informal/general essays) عنوان می‌کند. مقاله‌های طرح‌شده در کتاب «از ناهنگامی فرهنگ» از شکل مقاله‌نویسی علمی و دانشگاهی می‌گریزند و بیشتر مقاله‌هایی هستند که جنبه

سال پنجم ■ شماره ۱۰۰۱ ■ پنجشنبه ۱۰ تیر ۱۳۸۹



ویکتور ارافیف



نمی‌آید، ارافیف این مرگ را در گستره‌ای وسیع، از کودکی‌اش تا زمان حال بسط می‌دهد تا با خلق اثرش لمح‌های از آن را به ما بچشاند؛ کاری که تنها و تنها از عهده هنر بر می‌آید. به این دلیل است که پس به سرعت به دنیای اشباح وارد شدم.» به این ترتیب نویسنده به حقیقتی غایی نظر دارد که آن را نه در دنیای ایزه‌های عینی، بل در تکتُر پدیدارهای ذهنی می‌جوید که به تعین علم پوزیتیویستی و چارچوب‌های تنگ نقد سنتی در نمی‌آید. نمی‌توان آن را از منظر بیرونی و کلی توصیف کرد اما می‌توان در جزء-جزء درونش زندگی و آن را لمس کرد.» به همین دلیل است که هیچ توصیف یک‌دلی را پدر، استالین، روسیه و… نمی‌یابیم، اما با پایان یافتن رمان احساس می‌کنیم به شهودی درونی نسبت به تک‌تک آنها دست یافته‌ایم.

—

اگر سبک و جوهره هر رمانی را نتیجه انطباق ساختار و فرم با محتوا و درونمایه آن بدانیم، حال که به شرح جادگانه درونمایه پدر کشی و فرم گزارشی نئورئالیستی اثر پرداختم، سعی خواهم کرد نشان دهم که این هر دو خصیصه چگونه توأمان در نقطه تالقی‌شان– در سبک ویژه اثر حضور دارند. به بیان دیگر این خود فرم است که پدر کشی (درونمایه) را رقم می‌زند. ارافیف با نوشتار گزارش گونه جزء-پراز، افشاگرانه و تخیلی، سودای دستیابی به حقیقت وجودی پدر و زندگی او را دارد و در این میان پدر از زیر ذهن تشریحی خود، کالبدشکافی می‌کند، تا به پنهان او، مادرش، اطرافیان، استالین، روسیه و حتی خودش را هم در این کشودگی به قلمه کشد. اگر عطار در توصیف دو پروانه‌ای که هر یک به نسبت فاصله خود با شعله، نور و گرمای آن را حس می‌کنند، حقیقت نهایی را نزد پروانه سومی می‌داند که درون شعله می‌سوزد و آنچه به دست می‌آورد دیگر به بیان

۱– ارافیف با رویکردی نئوفمینیستی به ادبیات می‌نگرد و حتی اسمی که برای ماشین تحریرش انتخاب می‌کند– اریکا– همانم دختری است که دوستش دارد و چندین بار «اریکا» به هر دو مورد ارجاع می‌دهد.
۲– این نحوه از خواش متون، حتی متون تاریخی را نیز دربر می‌گیرد به گونه‌ای که معاصرترین تحول در این زمینه کنش یا متن تاریخی به مثابه متن ادبی است.
۳– سعی خواهم کرد که در مقاله‌ای دیگر با عنوان «معین امر نامعین، یک بازخوانی برگسونی» به تحلیل این امر بپردازم.



صفحه‌های گذشته همراه است و بازگشت به قطعه‌هایی برای اندیشه‌ای دوباره و گاهی خاطره‌های از یادرفته؛ شاید همان چیزی که رولان بسات از آن با عنوان «لذت متن» تعبیر کرده‌است.
در کتاب آمده است: «نسبت فرهنگ و آزادی، خود محصول ساخت و صورتی از نسبت میان واقعیت‌ها و آرمان‌ها و نتیجه برهم‌نهی و نوشته شدن در چند تاولین این زمان نزد هر مخاطبی شکلی دیگرگونه می‌یابد اما مراد از این نوشته و حال و احوال این روز‌ها نزد من این گونه رخ می‌نماید. شهر با همه آشفنگی‌ها، این پایین بی‌رمق افتاده تا افق دوردست، تا ماهوری که کم‌کم محو می‌شود. وقتی نویسنده در میانه‌ای از زمان و گذر تاریخ این روزگار عنوانی را بر پیشانی کتابش می‌گذارد، قدری ایستادن را می‌طلبد.

پی‌نوشت‌ها:

۱– روشنی‌نژاد، بابک، برگزیده نقاشی‌ها (۱۳۸۷–۱۳۸۳)، نگارخانه اثر، ۱۳۸۷
۲– همان
۳– موحد، ضیاء، البته واضح و مبرهن است که… (رساله‌ای در مقاله‌نویسی)، انتشارات نیلوفر، تهران، ۱۳۸۷
۴– همان
۵– قائد، محمد، دفترچه خاطرات و فراموشی، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰
۶– احمدی، بابک، خاطرات ظلمت، نشر مرکز، ۱۳۷۶



یک ایده را به وجود می‌آورد. ویژگی قطعه‌های کتاب این است که از مسائل دم‌دستی ایده‌های فلسفی می‌سازد. دست‌نوشته‌ها، جاهایی دل‌نوشته می‌شوند و به بیانی رمانتیک و حضوری دراماتیک تن می‌دهند. هر چند این حضور کاملاً حساگرانه است اما جاهایی نویسنده از رهایی احساس خود حتی در نوشتن مالکیت بر درهای پوایی‌نلارد.
انگار ه‌های ما در تجربه دیداری روزانه بسته به میزان حساسیت، دلمشغولی یا حتی سرگردمی تغییر می‌کنند. توجه بیشتر به گذران لحظه‌ای در ذهن و تغییر آرام و گاه تند فضای بیرون به پرسشی می‌انجامد که اگر آن را فراموش نکنیم، دلمشغولی بسیاری از شب‌ها را در پی دارد.
به یاد جمله شارل بودلر می‌افتم: «افسوس، شهرها سریع‌تر از قلب آدمی تغییر می‌کند.» نویسنده کتاب در قطعه «علف‌های هرز» نوشته است: «هر وقت در خیابان از کنار خانه‌های قدیمی می‌گذرم و به آن خانه‌های آجری رنگ و رورفته به‌جامانده از گذشته نگاه می‌کنم، آرام می‌گیرم و همچون لحظه شروع و شنیدن قصه‌ای شیرین منظر می‌مانم به انتظار لذتی که در راه است.»

بخش پنجم کتاب در معنایابی سیمای سه روشنفکر، هدایت، آل‌احمد، شاملو و در ادامه با نگاهی به روشنفکری در ایران همراه می‌شود؛ و سپس برگ‌هایی از آلبوم عکس، پایان این بخش است: «جهانی در قاب» با تماشای نقاشی ایرانی و جهان عتیق و پررآورمز تصویرسازی ایرانی، «حافظه و زوال فرهنگ» و دیدبانی و سیمای علی حاتمی و فیلم «مادر» و بعد «روایتی از یک نسل» یادآور «هامون» ساخته داریوش مهرجویی و ترس و لرز آن سال‌ها.

لحظه‌ای برای ایستادن
«آزادی و فرهنگ» برای من صفحه‌های پایانی کتاب با ورق زن‌های پیاپی از



نویسنده‌ام بر آن است که مرا به حرف آورد تا آنچه را خود نمی‌داند و شاید به واسطه حضور و به زبان آمدن من امکان گفتن آن فراهم می‌شود، پیش آورد و برجسته کند.»

جرات این‌گونه نوشتن ایسزاری می‌خواهد و از اعتماد به نفس نویسنده می‌گوید. شاید این‌گونه است که یک کتاب را بارها م‌هم‌تر از دیگر کتاب‌های صرفاً تالیفی می‌کند. روش قطعه‌نویسی در خلق ایده نو محور نگارش کتاب است. بی‌شک با اولین شکل قطعه‌نویسی مواجه نیستیم. اما قطعات کتاب «از ناهنگامی فرهنگ» از ساختاری متفاوت بهره‌مند هستند. قصد تفکیک بخش‌های کتاب با توضیحاتی جدا از هم را ندارم. تنها بازخوانی بخش‌هایی را با بهانه بازاندیشی گفتارهای آن یادآور می‌شوم. چرا که به نظر من کتاب میل به نظم‌گریزی زیادی دارد. طیف گسترده‌ای از موضوعاتی چون معرفت‌شناسی در فلسفه، روشنفکری در ایران تا ارائه نظر درباره برخی تولیدات فرهنگی مانند موسیقی و سینما از دامنه‌های کتاب است. بخش «تحریف‌های خرد واژگون» و «عبارت‌های ناتمام» بیشترین گزین‌گویی‌ها را در خود آورده‌اند. فهم جهان اطراف امری ممکن است با هیچ وقت قابل فهم نباشد؟ نفوذ و کنشاکت یک ایده فلسفی در جهان پیرامونی و گذر تجربه‌های روزمره زندگی، لحظه‌ای را به تامل شکاکانه سوق می‌دهد. دانایی، زبان، وسوسه، ترس و سیت و همراهی با هم دسته‌های مجادله‌انگیز است. سبب می‌شوند. در «عبارت‌های ناتمام» خواندن جمله‌هایی برای همراهی خالی از لطف نیست. روشنی‌نژاد می‌نویسد: «زبان همواره از امر ناگفتنی خبر می‌دهد. از ناپسندیده‌بودن گفتن.»



بخش سوم، قطعه چهارم از کتاب می‌خوانیم: «این یادداشت از زبان من نقل می‌شود. من یک متن‌ام. حالا من هستم که با شما سخن می‌گویم. برای نشان‌دادن وجود خلاقیت در یک متن بهترین راه رجوع به آن است؛ ایده‌ها، واژه‌ها، آهنگ جمله‌ها و ترکیب‌بندی کلی مقاله‌ها. در بخش سوم، قطعه چهارم از کتاب می‌خوانیم: «این یادداشت از زبان من نقل می‌شود. من یک متن‌ام. حالا من هستم که با شما سخن می‌گویم.